

لزوم تعقیب پژوهکاران واقعی و رعایت حمایت آزادی فردی در جریان بازپرسی از طرف دادستان و بازپرس و وظائف و کلاه دادگستری در این موارد

گرچه زحمات نمایندگان مجلسین بالاخص و کلاه دادگستری در وضع و تصویب قانون اصلاح قسمتی از مواد آئین دادرسی کیفری که در تاریخ ۲۳ و ۲۰ بهمن ماه ۲۵ تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسیده قابل تقدیر است ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که قانون حربه و آلت بوده و هیچ حربه و اسلحه بخودی خود کار نکرده و آثار و نتایجش با دستهایی بستگی دارد که آنرا بکار میاندازد. حمایت آزادی فردی پایه و اساس امنیت و حفظ انتظامات جامعه است. حفظ حیثیات و شئون و اعتبارات انسانی موجب رشد و بقا جامعه می باشد.

کلیه جنگها و خونریزیهایی برای حفظ آزادی افراد و حقوق بشر صورت گرفته و هر کشوری تاریخ پر افتخاری در مبارزه برای تحصیل آن دارد. ارزش فرد انسانی سر لوحه اعلامیه حقوق بشر و رکن اصلی منشور سازمان ملل متحد می باشد.

عموم افراد جوامع بشری علی الاصل مبری و بیگناه محسوب میشوند مگر اینکه از محاکم قانونی حکم قطعی علیه آنها صادر شده باشد.

هیچکس را نمیتوان خودسرانه حبس و توقیف و یا تبعید نمود مگر اینکه مجوز قانونی برای آن موجود باشد.

جامعه صحیح از افراد با شخصیت تشکیل گردیده و وجود شخصیتها پایه و اساس هرجامعی می باشد.

شخصیت هر فردی مبتنی بر دو اصل است یکی عقل و دیگری آزادی. هدف تعقیب جزائی و تحقیقات مقدماتی این است که حقیقت کشف و مجرم حقیقی بکیفر اعمال خود برسد.

با در نظر گرفتن این معانی برای اینکه قانون مزبور واقعاً صورت عمل بخورد بکشد و حقوق هیچیک از افراد اعم از شاکی و مشتکی عنه و جامعه تضییع نگردد لازمست که وزارت دادگستری و دادستانها و بازپرسها و وکلاء دادگستری نسبت بانجام وظائف خود

قیام و اقدام نموده تا چرخهای قوه قضائیه کشور روی محور صحیحی گردش کرده و نتایج حاصله از آن که اجراء عدالت است عاید فرد و اجتماع گردد.

وظایف مزبوره بشرح زیرین است:

۱- وظایف وزارت دادگستری نسبت بحسن جریان امور دادسراها و سازمان

صحیح آن

۲- وظایف دادستانها در تعقیب شکایات شاکیان و مدعیان خصوصی و نظارت

در امور بازپرسی از نظر فرد و اجتماع

۳- وظایف بازپرسها در مورد تعقیب بزهاران و حمایت از آزادی فردی در جریان

بازپرسی

۴- وظایف وکلاء نسبت بهریک از موارد مذکوره

وظایف وزارت دادگستری نسبت بحسن جریان امور

دادسراها و سازمان صحیح آن

۱- رعایت میزان سن در دادستانها و بازپرسها

دادستانها و بازپرسها باید ازین افرادی انتخاب شوند که لااقل ۳۰ سال سابقه آنان گذشته باشد زیرا کمتر از این میزان بهلازمه با غرائز و احساسات و تحریکات عواطف دارد وجود این عوامل موجب تضییع حقوق مردم و انحراف از چاهه عدالت و عفاف خواهد بود پرو وزارت دادگستری است که رعایت این اصل را مانند کشورهای راقیه در انتخاب این قبیل افراد بنماید

۲- دقت در رشد فکری و معلومات و اطلاعات بسیطه مأمورین تحقیق

و تعقیب جرائم

انتخاب دادستانها و بازپرسها باید از بین کسانی باشد که کاملاً عارف و آشنا بحقوقی و قوانین بوده و از طریق مسابقه انتخاب گردند تا جان و مال و شرف و ینوایش و اعراض مردم مورد آزمایش واقع نگردد و ضررهای حیران ناپذیری برای جامعه ایجاد ننماید

این سمتها و عناوین عصانیت که بدست چلاقان و مفلوچین معکوس

جامعه بیفتد

۳- مطالعه در شخصیت دادستانها و دادیارها و بازپرسها

دادستانها و بازپرسها باید ازین افراد تربیت شده باشخصیت انتخاب شوند و خصوصیات اخلاقی آنها کاملاً منظور نظر قرار داد تا از نظر عدم شخصیت زبانهائی بتوجه اجتماع نگردد

لزم تعقیب برهنگاران

محیط تربیتی و خانوادگی این قبیل افراد تأثیر بسزائی در انجام امور داشته و از هر گونه سوابق سوئی خود و خانوادهشان باید مبری و منزّه باشند. تربیت است که افراد شرافتمند و افراد خوب برای کشور تهیه میکند. تربیت است که میل بد را تضعیف و میل به خوبی را تقویت مینماید. سوء تربیت موجب خرابی انهدام نسلیها خواهد بود. تربیت بیمه دنیا و گذرنامه آخرت میباشد. موضوع تربیت درست کردن ماشین آلات و ادوات نیست بلکه تهیه شخصیت و مردان بزرگ میباشد.

روح نوگرماپی، چاکری، بندگی، غلامی، انقیاد، امتثال امر - اطاعت کورکورانه و امثال آن شایسته مقام دادستانی و بازپرسی و قضاوت نمیشد. نتیجه بندگی بنده زاده و نتیجه آزادگی آزاد مرد میباشد.

هر قدر دادستانها و دادیارها و بازپرسها و دادرسان دارای شخصیت بارزی باشند آنان موجب حمایت حقوق فردی و اجتماعی خواهند بود.

۴ - مراقبت در امور دادسراها

وزارت دادگستری باید از طریق دادسرای انتظامی آماری از پروندههای موجود در دادسراها خواسته و علت تعقیب فوری و رکود و وقفه بعضی از امور را استیضاح نماید و در صورت تخلف آنرا از نظر انتظامی تعقیب و مجازات نموده تا کلیه امور بازپرسها و دادیارها روی اساس و قاعده منظمی صورت گرفته و ابواب شکایات از هر جهت مسدود گردد.

۵ - تغییر بازپرسها در هر دو سال یک مرتبه

برای اینکه هر گونه شبهه و سوء ظنی از نظر تپانی با اصحاب دعوی مرتفع گردد پروزارت دادگستری است که شعبه بازپرسها را عوض نموده تا امور از دایره خصوصیات و دسته بندی خارج گردیده و جریان طبیعی خود را سیر نماید.

۶ - انتخاب دادستانها و دادیارها و بازپرسها از بین افراد متاهل

دادستانها و دادیارها و بازپرسها باید از بین افرادی انتخاب گردند که متاهل بوده باشند و تاهل آنان از نظر حفظ نوامیس مردم و رعایت عفت عمومی تأثیر بسزائی خواهد داشت.

۷ - تجدید نظر در کارشناسها

قسمت اعظم از تحقیقات مقدماتی و کشف جرائم که اساس با امور تخصصی و فنی دارد بوسیله کارشناسان بصیر و شرافتمند باید انجام گیرد.

بروزارت دادگستری است به قسمت اعظم از این کارشناسان که انتخاب آنان ملاک و مأخذی نداشته قلم بطلان کشیده و یک عده افرادی را که واجد صلاحیت علمی و اخلاقی هستند برای این قبیل امور از طریق مسابقه انتخاب نمایند.

۸- تجدید نظر در مأمورین ابلاغ دادرها

کلیه ابلاغات و عملیات اجرائی دادرها باید بوسیله افراد صالح و شرافتمند که کوچکترین لکه بدنامی و فساد اخلاق نداشته باشند صورت گرفته و تخلفات آنان فوراً تعقیب و مورد مجازات واقع گردند.

۹- مراقبت در امور دادرای انتظامی قضات و بازرسی کل کشور

ضعف دادرای انتظامی قضات و بازرسی کل کشور عامل مهم خرابی دستگاه قضائی و مخصوصاً دادرها میباشد.

اگر به آمارهای این سازمانها توجه گردد معلوم خواهد شد که تاکنون هیچیک از اعضاء دیوان کشور و رؤسای دادرها و بازرسیها و رؤسای محاکم از نظر تخلف تحت تعقیب واقع نگردیده و گردش امور این سازمانها بیشتر متوجه کارمندان قضائی ضعیف و بی پناه و بدون حامی بوده و تاکنون وسایل کار را آنطوری که لازمه اصلاح است با وجود تذکرات زیاد در دسترس این سازمانها نگذاشته اند.

این سازمانها باید از وجود بهترین افرادی که صلاحیت آنان از جهت علمی و اخلاقی محرز باشد تشکیل گردد نه اینکه امور و شکایات مردم بدست اعضاء تبعیدی سپرده شده و از این ناراضیها انتظارات صحیح داشته باشند.

اصلاح این سازمانها دستگاه قضائی را از حال رکود و ضعف و حالت اسفناک بیرون آورده و باین نتیجه منتهی میگردد که کلیه امور روی محور قانون سیر کرده و به کلیه اختلالات خاتمه داده میشود.

جلوگیری از تبعیض در اجرای مقررات جزائی

از بدو تصویب قانون مجازات عمومی تاکنون بموجب پرونده های مشکله در دادرهای کشور قسمت اعظم از مقررات جزائی که منافی آسایش عمومی میباشد و از جرائم مهمه بشمار میرود از نظر نفوذ و قدرت مرتکبین آن عملی نگردیده و کلیه شکایات در اینموارد با بی اهمیتی و بی اعتنائی تلقی گردیده است فقط رسیدگی دادرها ناظر به جرائم نسبت به افراد میباشد.

تاکنون سابقه ندارد که دادرها وزراء و اعضاء پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولتی که آزادیهای شخصی افراد و ملت را سلب کرده و یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده محروم نموده اند مورد تعقیب قرار دهند و یا کسانی را که در امر انتخابات مداخلات غیرقانونی نموده و اعمالی برخلاف قانون اسلسی انجام داده اند و یا مأمورینی که از انجام وظایف قانونی امتناع کرده و تعدی به افراد نموده و یا از

لرزم تعقیب و همکاری

حدود مأموریت خود تجاوز کرده‌اند و یا دادرسانی که برطبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات عمومی از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین رأی داده‌اند و یا وزراء و یا مستخلمینی که با وضع آئین نامه و تصویبنامه و بخشنامه و اواخر کتبی قانون را تغییر داده و تفسیر نموده‌اند و یا برخلاف اصل ۸ متمم قانون اساسی (با اینکه همه افراد درمقابل قانون مساوی‌الحقوق هستند) درمحیط قوه قضائیه محاکم خاصی برای دعاوی دولت معین نموده و رجحانی از این جهت برای دولت و قضات آن قائل شده‌اند، مورد پیکر واقع گردند.

در صورتیکه بموجب ماده اول قانون مجازات عمومی کلیه مجازاتهای مصرحه در آن قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی بوده و عدم توجه به قسمت اعظم از این مقررات ایجاد نا امنی و بی نظمی در اجتماع کرده و زندگانی را برای افراد دشوار و محال نموده و روح یأس و بدبینی را در مردم ایجاد مینماید.

این اختلالات مورد تصدیق دولتهای مختلفه و وکلای ادوار تقنینیه و بعضی از رؤسای مجلسین بوده و وظیفه وزراء دادگستری که خود را مصلح و دموکرات و میهن دوست و مشروطه طلب معرفی مینمایند این است که بکلیه این عملیات خلاف قانون خاتمه داده و تمام مرتکبین را مورد تعقیب قرار دهند تا موجب عبرت سایرین گردد زیرا این مقررات بعنوان تذهیب و گل بوته مجموعه مقررات جزائی نبوده و بمنظور امنیت و آسایش عمومی وضع گردیده و اساس مشروطیت نیز جز تأ و کلاً تعطیل بردار نیست و هرخللی که در حقوق و اراده ملت پیدا شود تأثیرش در قوای مملکت که قوه مقننه قضائیه و مجریه میباشد مشهود خواهد گردید زیرا طبق اصل بیست و ششم قانون اساسی قوای مملکت ناشی از ملت است و طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین نموده است

وظایف دادستانها و دادیارها در تعقیب شکایات شاکیان و مدعیان خصوصی و نظارت در امور بازپرسی از نظر فرد و اجتماع

۱- تعقیب امور جزائی بادر نظر گرفتن ادله مثبت آن

دادستانها و دادیارها ملزمند که به کلیه شکایات رسیدگی نموده در صورتیکه جنبه جزائی با ادله کافی داشته باشد برای تعقیب به بازپرسها مراجعه نمایند و هر عملی که غیر از این طریق صورت گیرد تخلف محسوب و مستوجب تعقیب انتظامی است.

۲- نظارت در پرونده های شعبات بازپرسی

دادستانها و دادیارها مکلفند که هر هفته آماری از پرونده های موجوده در شعبات بازپرسی را خواسته و در صورت اصابت به پرونده های را کد جرائم مهمه از قبیل قتل

جعل - سرقت - کلاهبرداری - خیانت دو امانت و جرائم مربوطه به آسایش عمومی وسایر جرائمی که در قسمت تبیض در اجرای مقررات جزائی به آن اشاره شده است علت رکود پرونده های مزبوره و تعقیب جرائم ناچیز را خواستار شده و در صورت وجود تخلف و بی نظمی و بی ترتیبی و تبغیض و عملیات خلاف قانون مراتب را بدادسرای انتظامی قضات برای تعقیب متخلفین اطلاع دهند.

۳- ایجاد وحدت نظر در کلیه امور محوله و مرجوعه

دادستانها و دادیارها نماینده جامعه بوده و تمام اوقات آنان باید مصرف اموری شود که از نظر قانون محل انتظامات و امنیت و آسایش بوده و مقنن آنها را جرم شناخته باشد و آنان نباید بهیچوجه اراده و خواسته های اولیاء امور و افراد متنفذ را محور عملیات خود قرار داده و با نظر خاصی به تقاضاها و اوامر آنان نگریسته وسایر امور را فرع و تحت الشعاع قرار داده و منافع جامعه و افراد را مستحیل در اغراض و منافع و مشتهیات نفسانی عده انگشت شماری قرار دهند.

۴- نظارت در امور ضابطین دادگستری و تعقیب عملیات خلاف قانون آنان

دادستانها مکلفند از لحاظ ریاستی که بر ضابطین عدلیه دارند در کلیه اموری که آنان بر طبق قانون مداخله نمایند نظارت کرده و در صورت کشف تخلف و عملیات خلاف قانون آنها را سخت مورد تعقیب قرار دهند تا جریان تعقیب امور از هر گونه اعمال بی رویه و خلاف اصول و قانون غاری و مبری بوده باشد.

وظایف بازپرسها در مورد تعقیب بزهکاران و حمایت از آزادی

فردی در جریان بازپرسی

۱- رعایت ادب و نزاکت نسبت به ارباب رجوع اعم از شاکی

و متهم و وکلاء آنان

دادسراها در حکم دارالتربیه میباشند و کلیه متصدیان امور دادسراها مخصوصاً بازپرسها باید رعایت ادب و نزاکت را نسبت به مراجعین و وکلای آنان بنمایند زیرا باب برائت تا صدور حکم قطعی به روی هر فردی باز بوده و حتی نسبت به محکومین در موقع اجرای حکم باید با نهایت ادب و نزاکت رفتار شود.

در کلیه دادسراها مرسوم است که منشی های دوایر بازپرسی از نوشتن آقا و خانم جلوی اسامی مراجعین اعم از شاکیان و مدعیان خصوصی و متهمین و وکلای آنان در موقع تنظیم برگهای اخطاریه و احضاریه و جلب خودداری کرده و آنها را به امضاء بازپرس میرسانند و چنین سابقه ای در هیچیک از کشورهای جهان اعم از متمدن و عقب افتاده وجود ندارد.

بین نروم تعقیب و شخصیت بشر تعارضی وجود دارد که بایستی تعادلی بین این دو قسمت برقرار گردد منافع جامعه موقعی دچار خطر میگردد که یکی از این دو اصل برد دیگری ترجیح داده شود.

تا موقعی محکومیت صورت قطعی پیدا نکند باب برائت برای اشخاص مفتوح بوده و شخصیت آنان باید مورد احترام قرار گیرد

۴ - احتراز بازپرسها از انجام اعمالی که مخالف قانون و آزادی است

عملیات بازپرسها باید به منظور ایجاد امنیت و نظم اجتماع صورت گیرد و اگر اعمالی برخلاف اصول و قاعده مرتکب گردند خود آن اعمال منافی و مخل نظم اجتماع بوده و ایجاد فسادهایی در جامعه خواهد نمود.

اعمال مزبوره بشرح زیرین است.

- ۱ - زجر روحی و بدنی.
- ۲ - تحقیقات طولانی و ممتد برای یک وهله بمنظور آزار متهم.
- ۳ - توقیفهای بدون جهت مخصوصاً برای شبهای تعطیل که متهمین دسترسی بجائی نداشته باشند.
- ۴ - وعده های دروغ.
- ۵ - تهدید و تخویف.
- ۶ - رفتار برخلاف قاعده و بی احترامی و عملیات خشونت آمیز.
- ۷ - تظاهر و حرکات تصنعی. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۸ - ادای مطالب زننده و فحش و ناسزا.
- ۹ - سئوالات تاریک و مبهم.
- ۱۰ - موضوعات غامض و پیچیده.
- ۱۱ - تلقینات.
- ۱۲ - زیرپاکشی.
- ۱۳ - عملیات منافی اخلاق.
- ۱۴ - الحاق بین دو سطر صورت مجلس تحقیقات و تراشیدگی و قلم زدگی وغیره.
- ۱۵ - قلب و تغییر در اظهارات متهمین
- ۱۶ - اغفال
- ۱۷ - اکراه - اجبار
- ۱۸ - اخذ تأمین نامتناسب
- ۱۹ - عدم تفهیم اتهام و دلائل آن صریحاً بمتهم

لزم تعقیب برهکاران

۲۰ - عدم رسیدگی به دلائل ابرازیه متهم در آخرین دفاع

۲۱ - سرما

۲۲ - گرما

۲۳ - توقیف متهم در محل مرطوب - عفن و کثیف

۲۴ - تزریق آب جوش

۲۵ - بی‌خوابی

۲۶ - صندلی گرم و سوزان

۲۷ - تزریق مواد مخدره در بدن متهم از قبیل پنتوتال (Pentothal) اسکوپولامین

(Scopolamine) و عمل نارکوا نالیز برای پی بردن به مکنونات قلبی او

۲۸ - پوشاندن لباس راه‌راه به متهم

۲۹ - دستبند

۳۰ - گرسنگی و تشنگی

لذا بازپرسها باید از اعمال مذکوره در فوق احتراز نموده و اگر مأمورین دیگر

تعقیب و کشف جرم باین اعمال مبادرت نمایند آنانرا تحت تعقیب قرار دهند.

۳ - رعایت نظم و ترتیب در رسیدگی

بازپرسها باید برطبق قانون کلیه پرونده‌های موجوده در شعبه بازپرسی را

بجریان انداخته و مانند محاکم جلسات رسیدگی را در دفتر اوقات بترتیب تاریخ ورود

پرونده بشعبه بازپرسی ثبت نموده و مورد رسیدگی قرار دهند.

خروج از این ترتیب و روش ایجاد ظن و شبهاتی در اصحاب دعوا خواهد نمود.

۴ - رسیدگی بشکایات از نظر جنبه جزائی و قوه اثباتیه دلائل

بازپرسها مکلفند شکایات مدعیان و شکاة خصوصی و اعلام و اخبار اعلام کنندگان

جرم را در صورتیکه جنبه جزائی با ادله مثبتیه داشته باشد رسیدگی کرده و پس از جمع‌آوری

دلائل ابرازیه در مقام احضار و جلب متهم برآیند.

هرگونه احضار و جلبی که بدون رعایت این نکات صورت گیرد و همچنین تحصیل

اقرار از متهم بدون وجود دلائل دیگر تخلف محسوب و مستوجب تعقیب انتظامی است

تحصیل دلیل بعهده مدعیان و شاکیان بوده و طرف دعوی و متهم ملزم بتهییه

دلائل نمیباشند بعلاوه اقرار در امور جزائی موضوعیت نداشته و طریقت دارد و اقراریکه

مقرون بدلائل دیگر نباشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود.

لذا در صورت فقد دلیل مجوزی برای احضار و جلب متهم نبوده تا چه رسد

نروم تعقیب برهکاران

برسیدگی که منتهی بتحصیل اقرار گردد و وظیفه بازپرسان است که این نوع شکایت را رد کرده و از رسیدگی آن کاملاً امتناع نمایند.

در هر حال اثبات هر امر و دعوائی بعهدہ شاکی خصوصی است نه متهم.

باراستدلال بعهدہ تعقیب کننده میباشد متهم مجبور به اظهار حقیقت نیست و حتی میتواند از دادن جواب خودداری نماید

۵- تحقیقات از شکاة و مدعیان خصوصی از طرف بازپرسها باداشتن وکیل موجبی ندارد

عملیات بازپرسها در مورد تحقیق از شکاة و مدعیان خصوصی که وکیل دارند موجبی نداشته و ایجاد سوء ظن در مورد زنها و تعبیرات دیگر در مورد مردها خواهد نمود.

۶- احتراز از نقل موارد اتهام و جریان بازپرسی در جرایم

نقل اتهامات وارده بمتهمین و جریان بازپرسی در جرایم برخلاف موازین قانونی و منافی اصل برائت و سری بودن تحقیقات میباشد لذا تماس بازپرسها با مخبرین جرایم و نقل اتهامات و محتویات پرونده و نام اشخاص در جرایم علاوه بر تخلف بزه محسوب و مستوجب تعقیب انتظامی و جزائی میباشد.

۷- تهیه و جمع آوری دلایل از طرف بازپرسها اعم از له و علیه

بازپرسها علاوه بر رسیدگی بدلائل شکاة و مدعیان خصوصی ملزمند بدلائل متهمین نیز رسیدگی کرده و باتوجه بقسمت اخیر تبصره ماده ۱۶۱ اصلاحی دلائل متهمین را نیز که برای کشف حقیقت است حتی در آخرین دفاع رسیدگی نمایند.

۸- رعایت تناسب تأمین با اتهامات منتسبه

بازپرسها مکلفند پس از جمع آوری دلایل و تحقیقات از منہم تأیینی اخذ نمایند که متناسب با اتهاماتش بوده باشد و در صورت تخلف مستوجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ بیالا خواهند بود.

۹- مراقبت در امور منشی های دوائر بازپرسی

بازپرسها باید در امور منشی ها مراقبت کامل نموده که افرادیگانه و غیر صالح را از جریان پرونده ها مطلع نساخته و با اصحاب دعوی تماسهای خصوصی نداشته باشند.

وظایف و کلاء دادگستری در امور بازپرسی

در امور بازپرسی و کلاء دادگستری یا وکیل شاکی و مدعیان خصوصی بوده و یا وکیل متهم.

۱- وظیفه و کلاء شاکی خصوصی

در مورد شاکیان و مدعیان خصوصی و کلا موظفند که دعاوی جزائی آنانرا سنجیده و در صورت احراز جنبه کیفری و وجود ادله مثبت در مقام قبول وکالت برآیند. و کلاء نباید دعاوی حقوقی را بصورت جزائی درآورده و مزاحم اوقات متصدیان امور دادرها اعم از دادستان و دادیار و بازپرس واقع گردند.

وظیفه و کلاء متهم در مراحل بازپرسی

وکلائی متهم نباید بهیچوجه در جریان جمع آوری دلایل و قبل از احضار و جلب متهم در امور بازپرسی مداخله نمایند مداخله آنان در امر تحقیق پس از خاتمه امر بازجوئی شروع گردیده و میتوانند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قوانین لازم بدانند بازپرس تذکر داده تا در صورت جلسات بازپرسی منعکس گردد ولی حضور آنان پس از شروع تحقیقات از متهم بدون حق مداخله در امر تحقیق مانعی نداشته و باید مراقبت نمایند که بازپرسها از وظائف قانونی خود تجاوز نکرده و در صورت تعدی در مقام شکایت برآیند هرگونه مداخلات بی رویه ای که از طرف وکلاء در امر بازپرسی بشود منتهی بتضییع حق افراد و جامعه گردیده و بازپرسها حق خواهند داشت که از مداخلات آنان جلوگیری نمایند.

در هر حال و کلاء دادگستری باید بدانند که اخیراً دوحق بملت ایران تفویض گردیده

یک حق آزادی دفاع که بصورت استقلال کانون و کلاء درآمده و دیگری حق حمایت آزادی فردی در جریان تحقیقات و تأمین ضروریات مادی و معنوی متضررین از جرم و وظیفه و کلاء دادگستری است که در اجراء و تأمین این حقوق که بعنوان ودیعه بدست توانای آنان سپرده شده است سعی و کوشا بوده و برای حفظ آن نهایت درجه فداکاری را بعمل آورند و نگذارند مورد تعدی و تجاوز دیگران واقع شود

اگر مقامات و اشخاص مذکوره در فوق این وظایف قانونی را انجام ندهند معلوم میگردد که احراز این مقامات و مشاغل از نظر ارتزاق و ارضاء حس جاه طلبی بوده و منتهی دیگر از نظر خدمت نمیتوانند ابواب جمع جامعه بنمایند.